

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Social

اجتماعی

داکتر عارف پژمان

۱۹ اگست ۲۰۱۷

## مرگ خموشانه و شکیب شکن پروفیسور حبیب الرحمن "هاله" !



سفر خموشانه و ابدی استاد "هاله" را از روی یادداشت نویسنده گرانمایه، آقای ضیاء ، دریافتم . بسیار تکان دهنده است. استاد هاله ، ژورنالیستی تحصیل یافته از دانشگاه مشیگان ایالات متحده بود. وی سالیان متمادی استاد درس گونه گون روزنامه نگاری در پوهنتون کابل بود مضامینی که ایشان تدریس می کرد، تا آنجا که به خاطر دارم « افکار عامه و پروپاگند»، « ژورنالیزم مقایسه ئی»، «ادیتنگ» و «اعلانات» بود . من هم در درس «اعلانات» از ایشان ، تلمذ کرده ام. استاد هاله، بر نظم و نثر دری، خبرت و ممارستی تمام داشت . داستان های کوتاه از پیشکسوتان هنر داستان نویسی را به فارسی، ترجمه کرد. روزگاری به عنوان مدیر مجله « ادب»، چندی امر نشرات پوهنتون ، مدتی نیز مدیر عمومی تعلیم و تربیه پوهنتون کابل بود. مردی فروتن و مهذب ، کارمندی با دسیلین و آموزگاری به یادمانندی بود. استاد هاله ، منشی آزادیخواه و ترقی پسندداشت. گویا به سال ۱۳۱۱ خورشیدی، در کوهدامن زاده شده بود و سال های کودکی پر مرارتی را سپری کرده بود!

در سال های اشغال افغانستان در دستان شوروی، هنگامه قیادت "داکتر نجیب" بر خاد، ناگهان ، استاد را به زندان پل چرخ بردند، دوره اسارت او گمانم شش سال به درازی کشید. مستنطقین زندان، به این آموزگار بینوا، تا توانستند،

بدرفتاری کردند. وقتی استاد از زندان پل چرخی بدر آمد، چشمانش را ، غبار غم ، پوشانده بود؛ با اکراه ، برای سیر کردن شکم، برآن شد، دوباره چند ساعت درس حق الزحمه نی در پوهنتون بگیرد!  
کنار دیپارتمان ژورنالیزم ، در این ایام دیدمش، گفت « مرا مثل شیشه ، شکسته اند...»  
تا روزی روزگاری ، وطن را ترک کرد، چندی در پاکستان ماند و از آنجا به استرالیا ، مهاجر و متمکن شد.  
مشکل زنده یاد هاله، این بود که هرگز نتوانست ، از مارگزه (مصائب اذنب اشغالگران) به عقرب جراره ( مجاهد و طالب) پناه ببرد و این سرنوشت سرگردان همه قلمزنان و کتاب به دستان آزاد اندیش گریخته از وطن است. ای اشک ها، کجا ئید، دلم گرفته، به دلنتگی غروب قسم!  
به همسر ارجمند و صبور استاد و فرزندانش و همه دانشگاهیان ، این سوک را تسلیت می گویم.